



مذاکرات سخت با لبنانی‌ها برای توافق طائف

در دیدار اسد و جمیل توافق شد حکومت وحدت ملی لبنان براساس مقررات کنفرانس لوزان، به ریاست رشید کرامی تشکیل شود و نیروهای سیاسی و نیروهای شبه نظامی میدانی در آن مشارکت کنند. نیروهایی که حضور خود را بر اساس این قاعده تحمیل کرده بودند که وجودشان در داخل حکومت بهتر از باقی ماندن در خارج آن است. رئیس جمهوری اسد آن روز در ملاقات با جمیل از تعبیر دوگانه مشروعیت قانونی برای نیروهای سنتی لبنان و مشروعیت انقلابی برای نیروهای جدید شبه نظامی وابسته به جنبش ملی لبنان استفاده کرد که حضور خود در میدان را بر هرگونه سازش سیاسی تحمیل کرده بودند.

رئیس جمهوری اسد چهار روز پس از دیدار با جمیل، در ۲۴ آوریل با رشید کرامی نخست‌وزیر حکومت وحدت ملی و مسئولان نیروهای شبه نظامی جدیدی که اسد برای آنها تعبیر مشروعیت انقلابی را به کار گرفته بود، دیدار کرد که ولید جنبلاط رئیس حزب سوسیالیست پیشرو و نیبه بری رئیس جنبش امل از طرف آنها حضور یافته بودند. در پی نشست سران سوریه و لبنان، شامیر نخست‌وزیر اسرائیل با ناراحتی آن را کرشن در برابر سوریه و یکی از نتایج توافق اق اسرائیل و لبنان (۷مه) دانست. کرامی حکومت خود را تشکیل داد که دارندگان مشروعیت قانونی با عادل عسیران و پیر جمیل و کمیل شمعون و سلیم الحص و صاحبان مشروعیت انقلابی با ولید جنبلاط رئیس حزب سوسیالیست پیشرو و نیبه بری رئیس جنبش امل در آن حضور داشتند. حکومت جدید در آغاز، برخی موفقیت‌ها از خود نشان داد که عبارت بود از تعیین سرلشکر میشل عون به عنوان فرمانده ارتش و تشکیل شورای نظامی و همچنین بازگشایی فرودگاه بین‌المللی بیروت در اواخر جولای پس از توقفی حدوداً ۱۶۰ روزه. اما با وجود موفقیت‌های مشخص در انتشار ارتش لبنان و بازگشایی فرودگاه بیروت، نیروهای شبه نظامی محل‌های استقرار میدانی خود را نگه داشتند. وضعیت امنیتی نیز بدتر شد و اتومبیلی انتحاری در ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۲، ساختمان سفارت امریکا در بیروت را منفجر کرد و سعودی نیز پس از آنکه تظاهرکنندگان به سفارت این کشور در بیروت هجوم آوردند، مجبوره به بستن سفارت خود شد. ریچارد مورفی تقریباً پنج روز پس از انفجار سفارت امریکا بسته شدن سفارت سعودی به دمشق آمد و با رئیس جمهوری اسد ملاقات کرد.

کودتای سوم در «نیروهای لبنانی» در ۹مه ۱۹۸۵ این بار با رهبری ایلی حبیقه روی داد و او پیام‌های متعددی ارسال کرد که تصمیم گرفته است تغییر سیاسی بزرگی در تشکیلات تحت رهبری خود بر اساس التزام لبنان به گزینه عربی، ایجاد کند و سوریه جایگاه مهمی در این نگاه جدید خواهد داشت. این تحول مقدمات دیدار حبیقه از دمشق را در سپتامبر ۱۹۸۵ فراهم کرد. همه این دیدارها با خدام معاون رئیس جمهوری انجام می‌شد و ارتباطات سری خدمت در بین نیروهای شبه نظامی سه گانه «نیروهای لبنانی» و «حزب سوسیالیست پیشرو» و «جنبش امل» منجر به توافق سه جانبه‌ای شد که در ۲۸ دسامبر ۱۹۸۵ اعلام شد.

در پی این تحول، رئیس جمهوری اسد مرا مأمور کرد تا متن توافق سه جانبه را تقدیم امین جمیل رئیس جمهوری لبنان کنم. من نیز در ۳۰ دسامبر به بیروت رفتم و با رئیس جمهوری جمیل دیدار کردم. در این ملاقات پیشرفته‌ها در زمینه اصلاحات سیاسی لبنان در نتیجه این توافق را برای جمیل توضیح دادم، اما جمیل آن را با این استدلال پذیرفت که درباره اش با او مشورت نشده و نادیده گرفته شده است، به نحوی که انگار رئیس جمهوری لبنان نیست. من که همه کوششم برای فایع کردن جمیل نتیجه‌ای نداشت، با او در این موضوع همدلی کردم که نادیده گرفتنش به این شکل، خللی در رابطه سوریه و لبنان را برملا می‌کند و مصداقیت تداوم توافق را در معرض خطر قرار می‌دهد. همچنین به جمیل پیشنهاد کردم در سفر به دمشق با رئیس جمهوری اسد در این خصوص گفت‌وگو کند. جمیل اما در پاسخ گفت پیش از مشورت با جماعت خود نمی‌تواند به دمشق بیاید. با جمیل توافق کردم که شنبه یا یکشنبه که مقارن با آغاز سال نو بود، زمان مناسبی برای دیدار از سوریه و ملاقات با اسد جهت شرح موضع او است. جمیل شخصیتی پاک و با نزاکت بود و این احساس را در من برانگیخت که انجام توافق از پشت سر او دربرگیرنده اهانت به جایگاه رئیس جمهوری لبنان بوده است. به دمشق بازگشتم و جریان دیدار با جمیل و پیشنهادم برای دیدار با اسد را برای رئیس جمهوری با دقت تشریح کردم. رئیس جمهوری اسد نیز با موضوع دیدار جمیل موافقت و نسبت به انجام آن توجه نشان داد.

در عمل اما بازی سیاست در لبنان از ارزیابی‌های من پیچیده تر بود و علت حقیقی سرسختی جمیل در پذیرش توافق سه جانبه را نتوانستم تفسیر کنم. جمیل دیدار خود را با اسد دو هفته به تأخیر انداخت و همین شناخت از سیاست لبنان، مرا از فورفتن در امور این کشور بیزارتر کرد که در آن، تعهد دادن بی فایده بود و به پیمان احترام گذاشته نمی‌شد و هر توافقی را می‌شد برهم زد و از آن شانه خالی کرد. این چنین کاری از وزیر خارج بر نمی‌آید و کار مردان امنیتی بود که استاد تعامل با شبه نظامیان هستند. بعدها دانستم که جمیل از همان روز ملاقات با من، کار مخفیانه با سمیر جعجع را برای برهم زدن توافق سه جانبه شروع کرده بود.

جمیل در پرتوی ترتیباتی که برای ادامه دیدارها در سطح رئیس جمهوری اندیشیده بودم، در ۱۳ ژانویه ۱۹۸۶ برای دومین بار به دمشق آمد و با رئیس جمهوری اسد دیدار کرد. من نیز در این نشست طبق حضور داشتم. رئیس جمهوری اسد برخلاف برداشت ناظران در این گونه امور به جزئیات اهمیتی نمی‌دهد، در مواقعی که موضوعی راهبردی و مرتبط با هدف گیری‌های غایی مورد نظرش مطرح بود، برای جزئیات آن نیز وقت می‌گذاشت و لبنان یکی از این موضوعات بود که ارزش آن از نظر اسد بسیار بیشتر از جغرافیای کوچک و جمعیت آن بود.

جمیل کوشید توافق سه جانبه را زیر سؤال برده و با اتکا به قانون اساسی و منوط کردن آن به تصویب مجلس نمایندگان لبنان، به حال تعلیق در آورد. اما رئیس جمهوری اسد اهمیتی به این نظر نداد و معتقد بود با توجه به پیچیدگی شرایط لبنان، از مسائل شکلی می‌بایست گذشت و توافق سه جانبه بازتاب دهنده واقعیت‌های روی زمین است. در هر حال گفت وگووی واقعاً سختی میان دو رئیس جمهوری انجام شد و شاید رئیس جمهوری اسد از این دیدار برای رسیدن به وضعیتی بهتر و مستحکم‌تر در روابط با لبنان استفاده کرد.



- پنجشنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۰
- سال بیست و هفتم
- شماره ۷۶۶۶

دورنما

ایزوستیا (روسیه)

تجربه سوریه کاستی‌های دفاع هوایی روسیه را نشان داد. همین باعث شد تا سامانه جدیدی تولید و به مرحله بهره‌برداری برسد که قادر است از نیروگاه‌های برق، نیروگاه‌های هسته‌ای، انبارهای سوخت و... مقابل پهپادها که رهگیری آنها دشوار است، محافظت کند. این سامانه پهپادها را تا فاصله ۱۲ کیلومتری و ارتفاع ۱۰ کیلومتری هدف می‌گیرد.



نشال پست (کانادا)

از زمانی که گورهای دسته‌جمعی کودکان در کانادا پیدا شده و گفته می‌شود کلیسای کاتولیک در این کشتارها نقش داشته است، شماری از کلیساها در برخی مناطق بومی‌نشین کانادا، در آتش‌سوزی‌هایی مشکوک سوخته و از بین رفته‌اند. اما آشتی بهتر از نفرت است، زیرا ادامه این شرایط تنها باعث تعمیق شکاف‌ها در جامعه کانادا می‌شود.

اجماع برای مبارزه با حملات سایبری در شورای امنیت



در امور داخلی کشورها در حوزه سایبری است. ما طرفدار حاکمیت دولت‌ها در مسائل حوزه سایبری هر کشور هستیم که معتقدیم هر کشور باید خود تصمیم بگیرد چه پارامترهایی را در کنترل فضای مجازی خود به کار گیرد.»
دراین نشست، مجید تخت‌روانچی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل نیز با اشاره به اینکه طی سال‌های اخیر شاهد روند نگران‌کننده‌ای از اتهام‌زنی‌های سیستماتیک برخی از کشورها علیه کشورهای دیگر و انتساب انجام حملات سایبری یا فعالیت‌های مشابه در فضای سایبری بوده‌ایم، دلیل این اتهام زدن را صرفاً انگیزه‌های سیاسی دانست و گفت: «مجمع عمومی سازمان ملل باید به تلاش‌های خود برای توسعه و تدوین اصول و هنجارهای بین‌المللی مورد نیاز فضای مجازی ادامه دهد و در این زمینه ایران آمادگی دارد در تلاش مجمع عمومی به منظور تدوین اصول و هنجارهای مورد نیاز فضای سایبری مشارکت کند.»

نشست سه‌شنبه شب شورای امنیت درباره امنیت سایبری، به درخواست استونی که ریاست این ماه شورای امنیت را در دست دارد، به صورت مجازی برگزار شد. این اولین بار است که شورای امنیت مسأله امنیت سایبری را به صورت رسمی برگزار می‌کند. تا پیش از این همه نشست‌ها دراین خصوص غیررسمی بوده‌اند. استونی پیشتر هدف از این نشست مجازی را کمک به درک بهتر

جندجانبه گرایی؛ راهکار گروه ۲۰ برای برون رفت از بحران کرونا



آن نیز مذاکراتی داشت. اعضای گروه بیست و هشتاد نسبت به بحران قحطی در آفریقا از برگزاری نشست ۲ روزه سران این گروه در ماه اکتبر با تمرکز بر شرایط قاره سیاه خبر دادند.

■ کنایه چین به امریکا

در حالی که در این نشست نیز چین همچنان سبیل انتقاد غربی‌ها بود، وزیر خارج این کشور، اروپا و غرب را متهم به شعار دادن کرد. به نوشته «وینس آیرس تایمز»، «وانگ یی» گفت: «چین از کشورهایی توانمند می‌خواهد دست از تحریم‌های صادراتی بردارد. چند هفته‌ای پیش یک شعار پرطمطراق نیست و نمی‌تواند در پی اقدامات یکجانبه به دست آید.» وی در پاسخ به اتهام زنی آلمان و غربی‌ها در حوزه واکسن نیز گفت: «چین ۲۵۰ میلیون دوز واکسن را در بیشترین سرعت صادر کرده است.»

پایان حضور نظامی آلمان در افغانستان

آلمان با خارج کردن آخرین نیروهای نظامی‌اش از افغانستان، به طور رسمی به ۲۰ سال حضور خود در این کشور پایان داد. به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک، ۶۰۰ نیروی نظامی آلمان آخرین گروه از این کشور بودند که قرار است پیش از اعزام به کشورشان در تفرقش توقف داشته باشند. به نوشته «دویچه وله»، «ایوا هوگل»، مأمور امور دفاعی یونیدستاک آلمان خواهان بررسی مأموریت ۲۰ ساله اردوی نظامی کشورش در افغانستان در مجامع عمومی کشورش شده است: «باید ببینیم این مأموریت چه دستاوردی داشته و چه می‌توانیم برای آینده از آن یاد بگیریم.» اما خطر بروز جنگ داخلی، تهدیدی است که افغانستان با خروج هر گروه از نیروهای خارجی به آن نزدیکتر می‌شود. به نوشته «بی بی سی»، ژنرال «اسکات میلر» فرمانده نیروهای امریکا در افغانستان گفت: «اگر رهبران این کشور نتوانند بعد از خروج نیروهای بین‌المللی متحد شوند شرایط سختی در انتظارشان خواهد بود.»



لوفیکارو (فرانسه)

آیا فرانسه هنوز از بحران کرونا رها نشده، باید یک بحران اقتصادی را به جان بخرد؟ با وضعیت اقتصادی که اکنون فرانسه در آن قرار دارد، روزی می‌رسد که فرزندان این کشور بار بدهی دولت کنونی را به دوش بکشند. مگر اینکه طلبکاران بدهی ۲۷۰۰ میلیارد یورویی فرانسه، خسته از سال‌ها تعطاف پذیری دلشان به حال آنها بسوزد.



سختگوی طالبان:

تهدیدی از جانب ما متوجه هیچ کشوری نخواهد بود

پیشروی‌های طالبان طی دو ماه اخیر موجب شده تا واکنش‌های زیادی در سراسر افغانستان و همچنین سایر کشورهای منطقه و فرامنطقه نمایان شود. خبرگزاری «ایلنا» به همین دلیل و برای روشن شدن تحولات میدانی و سیاسی اخیر افغانستان و بررسی فاز جدید رفتارهای طالبان با «ذبیح‌الله مجاهد»، سخنگوی طالبان گفت‌وگو کرده است که می‌خوانید:

- **طی دو ماه گذشته عملیات طالبان در سراسر افغانستان افزایش پیدا کرده. چرا طالبان در این برهه زمانی دست به چنین اقدامی زده است؟**

پیشروی‌های اخیر اساساً به دلیل اعلان جنگ علیه مردم افغانستان نبوده، بلکه ارتش افغانستان در روز چهارم عید فطر از قرارگاه‌های خود واقع در هلمند و پکتیا به صورت واضح اعلام کرد که علیه طالبان دست به اجرای حملات گسترده خواهد زد و به نوعی آرایش هجومی گرفتند. طبیعی است که ما هم باید از خودمان دفاع می‌کردیم.

- **آیا این پیشروی‌ها ریشه در عدم اجرای صحیح توافق دوحه توسط امریکایی‌ها دارد؟**

بحث توافق دوحه به صورت کلی هیچ ربطی به عملیات ما ندارد. ما معتقدیم که باید تمام درگیری‌ها در سراسر افغانستان جمع شود و نیاز است که دامنه جنگ را محدود کنیم. به همین دلیل اعتقاد داریم که از روز اول، خلف وعده امریکایی‌ها روشن بود و حالا هم آنها در حال خروج از افغانستان تا ماه سپتامبر هستند.

- **آیا باید مورد خروج نیروهای امریکایی از افغانستان میان واشنگتن و طالبان تبادل نظر شده است؟**

امریکایی‌ها اعلام کرده بودند که تا ماه مه از کشور خارج می‌شوند اما متأسفانه در این مورد کوتاهی کردند و حالا باید با تمام قوا از کشور خارج شوند. بدون تردید اگر آنها بخواهند در افغانستان حضور داشته باشند، با عکس‌العمل جدی ما و مردم ما روبه‌رو خواهند شد؛ چرا که مردم افغانستان به هیچ وجه نمی‌خواهند حتی یک نفر از نیروهای خارجی در کشورشان باقی بمانند.

- **چرا طالبان با حضور نیروهای آنکارا در کابل مخالف است؟**

معتقدیم که ترکیه یک کشور برادر و اسلامی است، اما واقعیت این است که اگر آنها بخواهند دست به اقدام خاصی بزنند و در افغانستان حضور داشته باشند، بدون تردید مردم افغانستان با آنها مقابله خواهند کرد؛ چرا که از نظر ما تفاوتی میان ترکیه و امریکا وجود ندارد، چون این کشور عضو ناتو است.

- **طالبان پس از توافق دوحه تاکنون سعی داشته به نحوی چهره خود را در آذهان عمومی تطهیر کند. چرا الان با حملات این تصویر را تغییر می‌دهد؟**

قبل از سال ۲۰۰۰ میلادی که تجاوز امریکا به افغانستان عملیاتی شود، امارت اسلامی درگیر جنگ‌های داخلی بود و ما نتوانستیم با کشورهای همسایه مناسبات درست و گسترده برقرار کنیم. اما معتقدم از سال ۲۰۰۰ به بعد طالبان تا حد زیادی به تکامل رسیده و همچنین ما در حال تغییر رفتار خود هستیم؛ بخصوص آنکه مردم کشورهای همسایه مانند ایران و پاکستان هم باید بیشتر در مورد مواضعمان آگاهی کسب کنند.

■ **چندی پیش ویدیویی از یکی از رهبران میدانی طالبان به نام ملا منان نیزای منتشر شد که در حال تهدید ایران و مشخصاً استان خراسان بود. چرا طالبان اجازه دادن این فضا علیه این گروه خلق شود؟**
برخی از افراد مانند «منان نیزای» که از صفوف طالبان خارج شد، اساساً نماینده امارت اسلامی نبوده‌اند. ما بارها تندروی‌های این اشخاص را رد کردیم و در مورد این قبیل مواضع هشدار دادیم و حالا هم می‌گوییم که چنین افرادی از ما نیستند. اگر در ایران یا سایر کشورهای همسایه برخی رسانه‌ها از قول خود مطالبی را می‌نویسند که واکنش‌های مثبت و منفی، به نفع طالبان یا به ضرر طالبان در بردارد، در اصل برداشت خود را ارائه می‌دهند. بهتر است که به صورت مستقیم با ما در تماس باشند تا بتوانند نظرات ما را مستقیماً جویا شوند.

- **پس از خروج کامل امریکا از افغانستان، طالبان دست به چه اقدامی خواهد زد؟**

به صورت کلی در مسائل افغانستان دویعد وجود دارد: نخست بعد خارجی بود سپس ابعاد داخلی، ما معتقدیم که در ابتدای کار باید خطرات را دفع کنیم. بعد به دنبال منافع کشورمان باشیم؛ چراکه افغانستان در حال اشغال نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. لذا ما در گام اول با امریکایی‌ها مذاکره کردیم تا آنها از کشور خارج شوند و به آنها اطمینان دادیم که تهدیدی از ناحیه ما متوجه هیچ کشور و همچنین امریکا نخواهد بود. در فاز بعدی مسائل داخلی مطرح می‌شود.

- **آیا قرار است مجدداً افغانستان درگیر جنگ باشیم یا اینکه مصالحه انجام خواهد شد؟**

ما در توافق دوحه به امریکایی‌ها اعلام کردیم که باید ظرف مدت ۱۰ روز با دولت افغانستان مذاکرات بین‌الافغانی داشته باشیم اما واقعیت این است که جاده مذاکره همیشه دوطرفه بوده است. متأسفانه کابل در سال گذشته منتظر نتایج انتخابات ریاست جمهوری امریکا شد و تا مذاکره با ما امتناع کرد و همین وقت‌کشی‌ها موجب شد تا از جریان مذاکرات ملی استفاده ابزاری و سیاسی شود. بر این اساس ما به تنها بعد از خروج امریکایی‌ها، بلکه همین حالا هم به دنبال مذاکرات داخلی و ملی هستیم اما به نظر طرف‌های داخلی نمی‌خواهند وارد این مذاکرات شوند.

- **آیا پاکستان پشت پرده هدایت طالبان ایستاده است؟**

ما معتقدیم که پاکستان صرفاً یک کشور همسایه است و همانند ایران برای ما اهمیت دارد. به هر ترتیب ما تمام فشارهایی را که از بیرون به افغانستان وارد می‌شود دفع می‌کنیم اما در عین حال خواهان ارتباط با تمام کشورها هستیم و در همین جا اعلام می‌کنم که ما تحت فشار هیچ طیفی نیستیم.

- **اخیراً روسیه و حتی چین در مورد سقوط کابل و تصرف آن توسط طالبان هشدار داده‌اند. چرا این کشورها به چنین جمع‌بندی رسیدند؟**

طی این سال‌ها به نمایندگی از بخشی از مردم افغانستان با خارجی‌ها مبارزه کردیم و به همین دلیل ما معتقدیم که نباید در کابل خونریزی صورت بگیرد و خواهان درگیری‌ها نیستیم اما اگر مداخلات ادامه پیدا کند بدون شک مقابله نظامی صورت می‌گیرد. در این میان اگر چنین اتفاقی بیفتد نظرات تمام همسایگان از چین و روسیه گرفته تا ایران و پاکستان را مد نظر قرار خواهیم داد. در این مسیر اگر با کابل و انواع و اقسام احزاب اسلامی، جهادی و حتی طیف‌های سیاسی در مذاکرات به توافق برسیم هیچ اتفاقی نخواهد افتاد، اما اگر مجدداً وقت‌کشی صورت بگیرد و نتیجه‌ای از مذاکرات بیرون نیاید، بدون تردید درگیری‌ها ادامه خواهد داشت.

- **حملات اخیر تهدیدهای بسیار زیادی را متوجه طالبان کرده است. فکر نمی‌کنید در این وضعیت چنین حملاتی به تشدید اختلاف‌های داخلی ما من می‌زند؟**

پیشروی امارت اسلامی در شمال افغانستان به جهت ایجاد کشتار مردم نبوده و ما از کسانی مانند اسماعیل خان، محمد متقی، عطا محمد نور و تمام کسانی که در دوران جهاد زحمات زیادی کشیدند و علیه شوروی جنگیدند می‌خواهیم که با ما وارد جنگ نشوند.

- **آیا طالبان با علان خود در ارتباط است؟**

حضور القاعده در افغانستان به گذشته برمی‌گردد. در آن زمان به دلیل حمله شوروی به افغانستان از تمام بلاد اسلامی برای جهاد علیه آنها به افغانستان آمدند و در همان زمان اعضای القاعده با مردم افغانستان همکاری بودند. پس از دوران جهاد، ما سعی کردیم رفتار القاعده را کنترل کنیم اما اتفاق‌هایی افتاد که بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی آنها با به کشوری‌خود رفتند یا دستگیر شدند. هیچ ارتباطی هم اکنون با القاعده ندارند.

مواجهه